

زایشی نو!

"بمناسبت پیروزی استقلال طلبان در همه پرسى اقليم كردستان"

دکتر کامران امین آوه



از زمان اعلام تاریخ همه‌پرسی استقلال اقليم كردستان و شرکت و استقبال پرشکوه مردم کرد و ملیت‌های ساکن كردستان از آن، گروه‌ها و محافل داخلی و خارجی هر کدام به زعم خویش به این امر مهم پرداخته، باتوجه به منافع خود اعلام موضع کرده‌اند. در این میان مخالفت و خصومت دول همسایه که کردها جمعیت قابل ملاحظه‌ای از مردم آنها را تشکیل میدهند تا حدی قابل توجیه است، چراکه به حق، آنها ترس از روزی دارند که این شتر در خانه آنها نیز بنشیند. راهپیمایی و شادی و پخش شیرینی در شهرهای اصلی كردستان ایران چون مهاباد، سنندج، سقز، بوکان، بانه و ... نمونه بارز این امر، و در واقع نشاندهنده این واقعیت ساده است که آگاهی و احساس ملی کردها امری فرا دولتی و کشوری، و سرشار از عشق و همبستگی ملی است. ما این همبستگی ملی را دیربازی است در هنگام انتخاب جلال طالبانی اولین رئیس جمهور کرد عراق، دستگیری عبدالله اوجلان با توطئه مشترك ترکیه، اسرائیل و آمریکا، حماسه جاودانه‌ی کوبانی، کشتار جمعی ایزدیهای سنگال توسط داعش و ... در بخش‌های مختلف كردستان و بویژه در كردستان ایران دیده‌ایم. تظاهرات وسیع توده‌های مردم کرد در ایران بمناسبت پیروزی همه‌پرسی استقلال اقليم كردستان و بانگ سرود ملی "ای رقیب" موید این واقعیت ساده است که كردستان ایران ۴ دهه پس از

سرکوب و کشتار مردم مبارز و ترور رهبران آن از سوی تروریست‌های رژیم رعب و وحشت اسلامی هنوز سنگری است غیر قابل فتح، و آتش زیر خاکستری است که هر آن فوران خواهد کرد. در این میدان کم نیستند آنهایی که با ریختن اشک تمساح و در جامه چپ و راست پند و اندرزهایی به کردهای جنوب کردستان میدهند تا مبادا پا از گلیم خود درازتر کرده و هوای استقلال‌طلبی به فکرشان خطور کند. اینها با سینه سپر کردن، باد در غبغب انداختن و تهدیدهای آنچنانی که بغیر از دنیای خودساخته و مجازی‌شان ارزش



راهپیمایی و جشن و سرور مردم سنندج
به مناسبت پیروزی همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان

چندانی ندارد در مقابل جنبش ملی - رهاییبخش کردهای ایران و بخشهای دیگر این سرزمین پاره پاره شده ایستاده، دم از "چو ایران نباشد تن مباد" میزنند، گویی فراموش کرده‌اند که سال‌ها است با وضع اسفباری که در ایران تحت فرمان یک حکومتی قرون وسطایی بوجود آمده است دیگر جایی برای نفس کشیدن و فعالیت آزادانه نیروهای دگراندیش نمانده و چه خوب میبود که آنها این همه انرژی خود را صرف مبارزه با حکومتی میکردند که چنین مردم را

در بند کشیده و به صغیر و کبیر رحم نمی‌کند و به اشکال مختلف در پی مداخله توسعه‌طلبانه در کشورهای همسایه و حمایت از مرتجع‌ترین نیروهای منطقه می‌باشد.

این دوستان و بخصوص آنهایی که در زیر پوشش چپ دایه مهربانتر از مادر برای کردهای عراق شده‌اند، انگار فراموش کرده‌اند و یا بی خبر از آن هستند که سالهاست که کردهای اقلیم کردستان تنها نیروی راستین برای ایجاد کشوری فدرال و دمکراتیک بنام عراق بوده‌اند، اما تلاش آنها با توجه به حاکمیت نیروهای مرتجعی که تا مغز استخوان وابسته به ایران هستند و در پی ایجاد حکومتی توتالیتر از نوع اسلامی ایران و نیروهای سرکوبگر شبه سپاه پاسداران در جامه حشد شعبی هستند عملاً به شکست منجر شده است. اقلیم کردستان همواره از آغاز سرکار آمدن حکومت‌های پس از صدام با انواع ترفندها و تهدیدها و پیمان‌شکنی‌های رهبری بغداد تا حد فرستادن نیروهای لشکر دجله برای ترساندن کردها مواجه شده است. با این حال، واقعیت این است که، عملاً پس از سقوط بغداد کشوری بنام

عراق تنها نامی توخالی در نقشه جغرافیاست و این سرزمین به واقع در میان شیعه‌های حلقه به گوش ایران، عربهای سنی و کردها تقسیم شده، و نیروهای سکولار اقلیم کردستان اجازه پیدایش حکومت مشابه ایران را در این دیار به حاکمان بغداد نخواهند داد.

دوستان کافی است اندکی با چشم بصیرت به واقعیت‌های این دیار بیندازند تا متوجه فرق فاحش این دیار با کشورهای همسایه و بخش عربی عراق شوند. علیرغم تمام انتقاداتی که به حکومت اقلیم کردستان میتواند وارد باشد، این دیار اکنون امن‌ترین، دمکرات‌ترین آن در کل منطقه و همزمان مهماندار نزدیک به ۲ میلیون غیر کرد و کرد با بینش و ادیان مختلف است. اقلیم کردستان دیاری است که سران عرب دشت نینوا خواهان پیوستن و الحاق به آن هستند، چرا که فقط پیشمرگان کرد حامی جان و ناموس آنها بوده، و تنها در این دیار آنان میتوانند تحت حمایت کردها آزادانه و بدور از تهدید عربهای شیعه و داعش سنی به کار و زندگی عادی و روزمره خود ادامه دهند.

از هنگام طرح همه‌پرسی تاکنون نیروهای داخلی و مخالف آن تحت عنوان کمپین "خیر به همه‌پرسی" بدور از هر گونه تهدید و ایجاد رعب و وحشت به تبلیغات رسانه‌ای خود ادامه داده و میدهند، ای کاش در همین ایرانی که برخی از ایرانیان چپ و راست برای حفظ تمامیت ارضی آن آماده همکاری با دره‌ندترین نیروهای سرکوبگر اسلامی در تاریخ صد سال ایران هستند، میتوانند چنین آزاده فعالیت کنند.

در اقلیم کردستان احزاب مختلف سیاسی از حزب کمونیست تا احزاب مختلف اسلامی و همچنین تمام پیروان ادیان و مذاهب مختلف بدور از هرگونه فشار و محدودیتی آزادانه مشغول امور و فعالیت سیاسی و مذهبی‌شان میباشند، روزانه ده‌ها روزنامه و مجله مختلف که انعکاس دهنده افکار و بینش‌های مختلف هستند چاپ و پخش میشوند. ده‌ها کانال تلویزیونی مشغول فعالیت هستند، امری که میتوانند خوابی خوش و رویایی برای ایرانیان تبعیدی و حتا آنانی باشد که امروز در میهن "عزیز اسلامی" در پی انجام فعالیتهای مدنی هستند.

کردهای اقلیم کردستان در طی بیش از دو دهه تمام نیرو و توان خود را برای ایجاد کشوری سکولار، دمکراتیک و فدرال بکار بردند، اما این حرکات و فعالیتهای را انجामी نبود و نخواهد بود. اکنون کشوری کوچک اما قدرتمند از نظر تاریخی و موقعیت استراتژیک در حال زایش

است، همچنانکه همه‌پرسی استقلال کردستان علیرغم تمام تهدیدات و توطئه‌های عبادی‌ها، مالکی‌ها و قاسم سلیمانی‌ها و تهدیدهای پوچ اردوغان‌ها و عدم حمایت آمریکا و کشورهای بزرگ با موفقیت به نتیجه مطلوب خود رسید، دیر یا زود کشور مستقل کردستان در بخشی از این سرزمین باستانی تشکیل خواهد شد. اکثریت قریب به اتفاق مردم کرد در اقلیم کردستان رای به استقلال خود داده‌اند. اکنون زمان فرمانروایی ملت کرد به سرنوشت خود و ایجاد جامعه‌ای بدور از جنگ و خونریزی، سرکوبهای خونین و ژنوساید رسیده است. کردستان اکنون نه تنها سرزمینی امن برای کردها و ملیتهای ساکن آن است بلکه سرزمینی است که ماوایی مطمئن و امن برای نزدیک به دو میلیون آواره از مناطق جنگزده عراق و سوریه بدور از هرگونه تبعیض و اهانت و ... (برخلاف ایران و برخوردهای اهانت‌آمیز آنها به آوارگان کشورهای همسایه) شده است. در تمام این سالها اقلیم کردستان علیرغم جنگ تحمیلی داعش و فشارهای سنگین و کمرشکن اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی - مالی بغداد و وجود آوارگان جنگی همچنان ساکنان اصلی مبارزه با داعش، این پلیدترین و مرتجعترین نیروی قرون وسطایی در جهان بوده است.

آنانی که از ترس تغییرات جغرافیای سیاسی منطقه دست بدامن افترا، تهمت و علم کردن طرح توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی میشوند، بهتر است به جای این آسمان و ریسمان بافتن‌های بی‌پایه و بی‌انجام به این امر مهم واقف گردند که اکنون در همسایگی ایران و ترکیه و سوریه زایشی نو در کار است، زایشی که خواب را بر چشم شوینست‌های دولت اسلامی در ایران و کشورهای مرتجع همسایه و پان ایرانیست‌های چپ و راست در خارج از آن حرام کرده است. آنهایی که همواره ترس از تجزیه و پارچه پارچه شدن ایران دارند، بهتر است کمی دوراندیش باشند و بدانند با انکار واقعیت‌های ملی در ایران و عدم حل دمکراتیک مساله ملی، تهدیدات و افتراهای بی‌مورد نمیتوان کمکی به حل مساله ملی کرد. عدم درک این واقعیت بدون شك به بهای بسیار سنگین تا حد تجزیه ایران در دوران پس از حکومت اسلامی منجر خواهد شد.